

کنفرانس فراهم سازی محیط مناسب

سهام گیری موثر سکنتور خصوصی در انکشاف افغانستان

روغنیات ضروری و خوشبویی های طبیعی: فرصت انکشاف روستایی در افغانستان – کمپنی گلستان آریانا

مطالعه قضیه برای کنفرانس فراهم سازی شرایط مناسب تهیه شده است.

1. محتوا و پس منظر

توسعه سهم برای این تلاش در تناسب به در آمد قابل ملاحظه سرمایه گذاری، کار بس مشکل خواهد بود.

در دراز مدت این فرصت برای افغانستان بطور قابل ملاحظه بزرگ خواهد بود. مواد خام طبیعی (بشمول و نه محدود به روغنیات ضروری) در سراسر جهان سالانه به 900 میلیون دالر امریکایی میرسد. سرمایه مارکیت روغنیات ضروری گلها 20 میلیون دالر میباشد. تولید کننده گان عمده روغنیات ضروری گلها (بلغاریا و ترکیه) و روغنیات ضروری گل نارنج (افریقای شمالی) از لحاظ نیروی انسانی در ساحات روستایی به تجارت بسیار پر مصرف تبدیل میشود. شاید افغانستان بخشی از تولید کنندگان بعدی این سلسله باشد. این گلها بخشی از هزاران هکتار زمین و معیشت روستایی را در کشور های تولید کننده آن نشان میدهد. توجه عمده تا امروز بالای گلها و گل نارنج بوده است. گلستان یک نوع گل محلی (روسا داماسینا) با بوی خوش را شناسایی نموده و در قوریه خانه ها به تولید آن مبادرت ورزیده است. در جلال آباد باغ های زیاد با بوی خوش نارنج وجود دارد. در سال 2007 (1386) گلستان 1.5 تن گل نارنج را جمع آوری و از آن 2 کیلو گرام نیروی، روغن ابتدایی شگوفه نارنج، را بدست آوردند. در سال 2006 (1385) عطر فروشان فرانسوی در فرانسه و یونان این محصولات آزمایش نموده و از کمپنی تقاضای تولید بیشتر آنرا کردند. در سراسر جهان تولید روغنیات ضروری که عمدتاً در افریقای شمالی تولید میشود به اضافه از 2 تن میرسد و افغانستان در نهایت امر میتواند یکی از سهم گیرنده گان این مارکیت شود.

ولی ایجاد ظرفیت روستا یک مسئله است. بسیار مشکل است تا دهاقین را متقاعد ساخت که بالای گلها سرمایه گذاری نمایند زیرا این صنعت هنوز یک صنعت ایجاد شده نه میباشد.

مطالعه این قضیه چالش های گلستان را به بحث میگیرد که از ایجاد و فعال سازی تجارت خویش تا حال با آن روبرو شده است. مسایل بطور خاص در عرصه های مالی، زیر بنا (سرکها و برق) و ظرفیت انسانی، سر بلند نموده است که مسایل مختص به صنعت چون کار با دونه ها و جامعه مدنی برای ایجاد ظرفیت زراعتی نیز شامل آن میگردد.

کمپنی گلستان¹ آریانا (کگا) تولید کننده روغنیات ضروری، مایعات خوشبوکننده و مواظبت های فردی و هم چنان محصولات داروی میباشد.

کمپنی در جلال آباد در یک کارخانه تقطیر فعالیت میکند و همچنان مزارع گل های عضوی را در افغانستان انکشاف میدهد. آنها جمعآوری² گل های وحشی را در منطقه دور ولسوالی حصارک نیز آغاز کرده اند.

مفکوره ایجاد این کمپنی در سال 2003 در کابل آغاز شد و محتوای بحث آن در مورد بدیل معیشت اقتصادی در برابر تولید تریاک بود. تخم های بذری برای وریانیدن خوشبویی ها، مواظبت های فردی و صنعت دارو سازی دارای ارزش بلند بوده، مشوق کار و با صدور بهترین محصولات به خارج احتمالاً یک جانشین قانونی تولید تریاک شده میتواند. همچنان این یک نوع از صنعت است که در ستراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان به آن اشاره شده است: "المونه فعالیت دلخواه زراعتی برای افغانستان محصولات مشوق کار و بذری های با ارزش بلند زراعتی است که بتواند در بسته های بانوام پرورس شود و اشیای خوراکی کم ارزش که کیفیت و قیمت آن در شهر های افغانستان مناسب بوده و بتواند به مارکیت های جهان و منطقه صادر شود." ستراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان (ف5). تحقیق ابتدایی مارکیت توسط پروگرام انکشافی ملل متحد تمویل و توسط التای کانسلتینگ کابل و پاریس اجرا شده است. مطالعه نشان داد که یک کمپنی خصوصی به بهترین وجه میتواند انکشاف در این سکنتور را تقویه نماید. کگا رسماً در دسمبر سال 2004 (جدی سال 1383) به حیث یک کمپنی افغانی ثبت شد.

سرمایه گران خصوصی افغانی و بین المللی (از کشور های فرانسه و امریکا) به کار تاسیس گلستان با سرمایه گذاری 88000 دالر امریکایی همکاری نمودند. گروپ ایف کی اچ متشکل از بارنت روبین، ماتیبو بیلی و دیگر اعضا آن فیصله نمودند که در این تصدی سرمایه گذاری نمایند. شرکای سهام گلستان می دانستند که آغاز یک صنعت از تهداب آن، با توجه ابتدایی و زیادتیر بالای

2. تجربه های گلستان تا این حال: مسایل کلیدی

در شش ماه اول سال فعالیت خویش، قبل از اینکه محصولات تولید شود، پرداخته است.

- **پروسه پیچیده مشوق های کاری و غیر شفاف بودن پروسه پرداخت مالیات:** در حالیکه در قانون جدید مالیات رعایت و تعهد مالیات آسان است ولی طرز کار در مستوفیت بسیار پیچیده میباشد. برخلاف این حقیقت که فورم ها درست خوانده شده و بر اساس قانون مالیات خانه پوری شده بود، کارمند گلستان اضافه از دو هفته را صرف پروسه خانه پوری آن نموده است. کم علاقه گی در پرداخت پولی که در بدل آن سند داده نمیشود، پروسه خانه پوری و اکمال فارم ها را برای اکثر آنها دشوار ساخته است.

زمانیکه گلستان این مشکل را با وزارت مالیه طرح نمود، از آنها خواسته شد تا به دفتر مالیه پردازان بزرگ بروند و با مشاورین داخلی و خارجی تماس بگیرند که آنها را در اتخاذ تصمیم در مورد طرز العمل محاسبه و استهلاك مساعدت کند. ولی باز هم از گلستان تقاضا شد تا به مستوفیت مالیه پردازد که در حال حاضر در پرداخت مالیات با مشکلات روبرو است.

روش های کهنه پرداخت مالیات: تمام مالیات باید نقداً و توسط شخص پرداخته شود، زیرا هیچگونه سیستم کنترول و اخذ برقی (الکترونیکی) وجود ندارد. بگونه مثال کمپنی مجبور است تا هر ماه از معاش کارمندان خویش مالیات را وضع کند و از آنها تقاضا نموده است که هر ماه بطور انفرادی این مبلغ را نقداً بپردازد که دو روز کار دو نفر را در بر میگیرد. گلستان ترجیح میدهد که بعضی هر ماه در اخیر هر ربع این مالیه را بپردازد. و تدریجاً شاید کمپنی به این قادر شود که از طریق چک ها و یا سیستم الکترونیکی مالیات را پرداخت نماید.

- **عدم اطمینان در مورد قوانین مالیات و مالیات غیر مترقبه و متناقض:** وقتیکه مسؤل اجرایی گلستان در اولین ملاقات اش با دفتر مالیه پردازان بزرگ، در جون 2006 (جوزای 1384) پرسید که چه مقدار مالیه بالای فروش محصولات داخلی شان وضع خواهد شد، به او گفته شد که دو فیصد مالیات بر عایدات، که با قانون مالیات در هماهنگی قرار دارد، پرداخته شود. ولی در ملاقات بعدی برایش گفته شد که ده فیصد مالیه اضافی بالای تمام فروشات، بشمول فروشات سابقه وضع خواهد شد. این مالیه، مالیه مواد استهلاكی، بخشی از قانون مالیه سابقه میباشد، که توسط وزارت مالیه منحصی مالیات مغلق شناسایی شده و گلستان مکلف است تا آنرا بپردازد که تا هنوز میزان این مالیه روشن نیست (شاید 6 فیصد باشد نه 10 فیصد). برای کمپنی جدید التاسیس این یک مشکل عمده است که نه میدانند چه مقدار مالیه برای فروشات گذشته و فعلی اش بپردازد.

انکشاف مهارت ها

فعالیتها در فابریکه روغن زیتون جلال آباد شروع شد. روبرتیت (مقیم فرانسه) که پیشتاز جهانی در تهیه مواد خام عطریات میباشد انجیری را فرستاد تا بر اساس پرو بونو در آموزش تیم را مساعدت کند. در نتیجه این کار گلستان فعلاً متخصص آموزش دیده تقطیر را با خود دارد.

بر علاوه آموزش موفقانه متخصص تقطیر، گلستان نیاز دارد تا تکنیشن، دهافین و جمع کننده گان گل های وحشی را نیز آموزش دهند. هیچ ماهری در پوهنتون ها و همچنان وزارت خانه ها وجود ندارد که در این آموزش با آنها مساعدت کند (هیچ مضمون علمی برای زراعت عضوی و یا مزارع وحشی بطور متداوم استفاده نه میشود و یا تحقیق آن وقت زیاد را در بر میگیرد.)

از آغاز فعالیت خود، گلستان با یک سلسله از مسایل که در افغانستان برای تعداد زیادی از تصدی ها جدیدالتاسیس مشترک و عمومی میباشد روبرو شده است. این بخش عرصه های که در آغاز فعالیت آسان، منحصی مانع محسوب میشدند و همچنان مراحل را که خوب پیش برده شدند مشخص میسازد.

ترتیب و درست کردن کمپنی

ثبت نمودن کمپنی جدید با آيسا بسیار آسان بود. آيسا در طول پروسه ثبت از خود نهایت موثریت را نشان داده است. از زمان آغاز کمپنی در دسمبر سال 2004 معامله با آيسا بدون هر گونه مشکل بوده است.

دسترسى به زمین و تسهیلات

اداره انکشاف وادی ننگر هار در نزدیک جلال آباد در فارم هده فابریکه روغن زیتون را بکار انداخته است. این اداره به گلستان اجازه داد تا کارخانه تقطیر را در داخل فابریکه روغن زیتون نصب نماید. گلستان از احاطه فابریکه، آب و جنراتور بخار، ساخت روسیه و مساعدت انجیران آموزش دیده در روسیه استفاده مینمود.

در تابستان سال 2006 به گلستان گفته شد که تا دو ماه دیگر باید فابریکه روغن زیتون را ترک کنند زیرا آنها از این تعمیر به حیث مرکز انتخابات ننگر هار استفاده خواهد نمود. در این اواخر، بهار سال 2007، گلستان به خاطر یک مسله اداری قادر نبود که از تجهیزات داخل فابریکه روغن زیتون در زمان مهم گل نارنج از آن استفاده کند (مسؤل اداره به خاطر فساد اداری زندانی شده بود و سایر مسؤلین پایین رتبه هراس داشتند که کدام فیصله را صادر کنند)

نصب فابریکه جلال آباد

در ماه مارچ سال 2005 تجهیزات تقطیر از ترکیه خریداری گردید که نصف هزینه خرید آن توسط هدیه بلاعوض ایالات متحده امریکا از طریق سی ان اف ای پروگرام انکشاف زراعت آنکشور تمویل شده است. زمانیکه تجهیزات تقطیر از ترکیه وارد میشد. سرک های خراب و کمبود ظرفیت در گمرک اسلام قعله و هم چنان ضرورت اینکه تمام کارگو باید یک بار تخلیه و دوباره در موتر های لاری بارگیری میشد، رسیدن بر وقت تجهیزات را بتعویق می انداخت که در نتیجه آن با تفاوت صرفاً چند روز، کمپنی نتوانست از موسم بهار سال 2005 (84-1383) استفاده کند، بدین ملحوظ کار شان به مدت یک سال بتعویق افتاد.

مالیات

سیستم های مالیات و پروسه پرداخت مالیات بسیار گرانبار و سنگین میباشد. مسایل کلیدی مربوطه در ذیل ارایه میشود:

- **مالیات سنگین در حین آغاز فعالیت تجارت:** کمپنی های تازه کار، قبل از بدست آوردن درآمد باید مالیات شان را بپردازند: مبلغ 24100 افغانی (480 دالر امریکایی) برای ثبت بیلانس سال 1383 پرداخته شده است. این مبلغ مشخص نسبت به اندازه و ساینز کمپنی پرداخته شود، بنأ این یک هزینه بزرگی است که تصدی های کوچک برای شامل شدن در سکتور رسمی آنرا بپردازند. با پرداختن 700 دالر امریکایی قیمت ثبت در آيسا، گلستان دو فیصد سرمایه ابتدایی 50000 دالر امریکایی خود را

محاسبین و انجیران آموزش دیده به ندرت دریافت میگردند، زیرا تقاضای زیادی برای این تخصص ها وجود دارد. تقاضا برای کارگران ماهر (از سطح فعلی آن) خیلی زیاد بوده که منجر به هزینه زیاد کار و بلاخره هزینه بلند محصولات میشود. تمام این نکات در ذات خود قیمت محصولات را در افغانستان از دیدار میبخشد.

کارمندانیکه توسط گلستان آموزش دیده اند خیلی خرسند هستند که با این صنعت امیدبخش مشغول کار هستند. ولی پیشنهادات خوبی از جانب دفاتر ملل متحد و انجو ها برای شان پیشکش میشود.

زیربنای فیزیکی

کمبود زیربنا، خاصاً سرکها، بطور مداوم باعث عقب مانعی، تنگناها و هزینه های بلند میشود. سرکهای ناهموار در ساحات ورستایی جلال آباد به میزان صرفه جویی، که از طریق راه های هموار فاصله ها کوتاه ساخته شده و دستگاه تقطیر میتواند آن ساحه تحت پوشش خود قرار دهد، مانع بزرگ ایجاد میکند. گلبا باید در ظرف چند ساعت بعد از درو شان به دستگاه تقطیر آورده شود. سفر از جلال آباد به حصارک در صورت درست بودن سرکها فقط چند ساعت را در بر میگیرد ولی در حقیقت اکنون سفر اضافه از هشت ساعت است. بدین ملحوظ دستگاه تقطیر نه میتواند مواد تازه را که از حصارک به جلال آباد می آید مورد استفاده قرار دهد.

حکومت مرکزی نه میتواند امنیت و حاکمیت قانون را تامین کند

گلستان نه میتواند در تامین امنیت بالای حکومت اتکا و بالای محاکم اعتماد کند که منازعات را حل نماید. او هیچ راهی ندارد به جز اینکه در ننگرهار فعالیت کند و یا اینکه با مردم قریه جات محل که تابع ساختار قومی هستند و توسط چند فامیل بزرگ رهبری میشود، تماس برقرار نماید. در حالیکه این ساختار کمپنی را به این قادر ساخته بود که از امنیت و دسترسی به قریه جات و سایر مناطق که از آنها مواد خام خریداری میشود و زمین را برای جا بجا سازی تسهیلات شان دریافت، نفع برد، و با وجود این مشکلات استقلال داخلی اش را حفظ نماید.

این دلالت بر این مسایل میکند که:

- به این قادر نباشد تا مفاد اجتماعی فعالیت خویش را به حد اعظمی افزایش دهد، زیرا فامیل های این اقوام نقش وساطت در میان کمپنی و جامعه را بخود انحصار نموده اند.
- قبول این خطر که مبادا در منازعه ها و رقابت های فامیلی، که میتواند بالای فعالیت های کمپنی نتیجه منفی داشته باشد، کشانیده شود.
- به این قادر نباشد که رقابت های سیاسی روشن طایفه های مختلف را رهبری و هدایت کند.
- اختصاص منابع پیوسته برای اجراء متوازن جهت تقلیل نا امنی که این خود قوای را که باید بالای عملیات کلیدی توجه کند، منحرف میسازد.

کار با مجتمعات روستایی: انکشاف ظرفیت زراعتی از طریق شامل ساختن جامعه مدنی؟

گللهای عمده که کمپنی گلستان به آن توجه دارد عبارتند از گلبا ها و گل نارنج. بر خلاف امید این هویدا گردید که متقاعد ساختن مالکان باغ های نارنج برای کار کردن با این کمپنی خیلی مشکل

است. آنها از این هراس دارند که محصولات میوه شان را از دست خواهند داد، باوجود اینکه ماهرین جمعآوری با هم موافق اند که در حقیقت جمعآوری گللهای نارنج محصولات و کیفیت آنرا بهتر میسازد، نه بد تر. در کشور های دیگر باغداران خود جمع کننده گان گللهای را استخدام میکنند و خود گللهای را به ماشین تقطیر انتقال میدهند. ولی در ننگرهار، گلستان مجبور است تا برای دسترسی به باغ اولاً پول بپردازد و بعداً گللهای را جمعآوری کند.

این مشکل است که دهاقین را دریافت تا گلبا را زرع کند. زیرا بته بعد از یک زمانی قادر به تولید گلبا میشود، بدین منظور دهاقین برای زرع گلبا به حمایت عامه نیاز دارد. رویهمرفته ظرفیت زراعتی بحیث یک مسله باقی میماند زیرا دهاقین به این قادر نیستند که بالای محصولات نو و همچنان امکانات مارکیت سرمایهگذاری نمایند. آنها قبل از اینکه هر گونه خطر را قبول کنند به حمایت (پول نقد) نیاز دارند.

این مشکل بود تا برای برنامه های مساعدت دهاقین در خصوص زرع گللهای و جوه مالی دریافت نمود. گلستان به حیث یک کمپنی خصوصی نمیتواند بالای ظرفیت کشاورزی نیز سرمایهگذاری کند. گلستان قبلاً بالای دستگاه تقطیر و آماده کردن تسهیلات مارکیت سرمایهگذاری نموده است. رهبری تلاش مینماید تا: پروگرامهای بیشتر دوزن را متقاعد سازد که به دهاقین در مورد امکانات و دسترسی به مارکیت سرمایهگذاری نمایند.

شاید راه حل بالقوه برای این مشکل این باشد که با جامعه مدنی از نزدیک کار شود تا گروه های دهاقین را ترغیب کنند که دستگاه های تقطیر خود شان را داشته و روغنیات ضروری را تولید کنند. فعلاً کمپنی تلاش دارد که با گروههای دهاقین ارتباطات دوامدار را ایجاد کند.

فعلاً دفتر خدمات پروژوی ملل متحد جوه مالی را برای شورای نیمه باغ (یک باغ مغل در ولسوالی خوگیانی ننگرهار) تهیه نموده است تا گللهای را زرع و دستگاه تقطیر را بالای زمین دولتی اعمار نمایند. ولی بدون عقد قرار داد موثر و فقدان شفافیت در امور دولت، گلستان مطمئن نیست که در دراز مدت بتواند با این شورا بطور موثر کار نماید.

گلستان نتوانست تا گروه از دهاقین را دریابد که گللهای در زمین های شخصی شان زرع کنند. متعاقباً گلستان به این فکر شد که یک نهاد غیر انتفاعی را ایجاد نماید که کمپنی بتواند آن جوه مالی را جستجو کند که بطور خاص بالای آنده دهاقین توجه میکند که میخواهند کشتزار های گل را زرع کنند.

انسجام و یا رقابت با پروژه های عامه (تمویل شده دوزن)

از آنجاییکه دوزن در پروگرام های تولید سهیم میشوند، اگر این پروگرام های بشکل درست هماهنگ نشوند، این تشویش وجود دارد که در سکتور خصوص رقابت نا سالم از دیدار گردد. بگونه مثال جرمن اگر و اکشن جوه مالی را دریافت کرده است تا با آن دستگاه های تقطیر را اعمار و گللهای را زرع کند که آنها از بلغاریا به ننگرهار وارد می نماید تا برای کمپنی جرمنی روغن گلبا را تولید کند. امروز تیم جرمن اگر و اکشن آماده است تا دستگاه تقطیر خود را به یک کمپنی خصوصی بفروشد (که به این هدف آنرا ایجاد نموده است)، ولی ممکن است که یک رقابت ناسالم بوجود بیاید. زیرا دستگاه تقطیر مورد بحث در زمان شروع فعالیت اش از پول اعانه و پرسونل انجو ها نفع میبرد.

اکنون گلستان بالای تقویه مشوره ها با پروگرامهای تمویل شده دوزن از نزدیک کار میکند تا رابطه تفاهم دوجانبه را انکشاف دهند: دوزن و انجو ها باید بالای ارتقای ظرفیت زراعتی توجه و

تمرکز نماید در حالیکه گلستان ماهرین تقطیر و دسترسی به مارکیت را آماده میکنند. گلستان در این اواخر دو همکار خوب را دریافت که آماده هستند گل گلاب و دیگر انواع گلها را در قوریه خانه ها و فارم های آزمایشی زرع نمایند تا به ایجاد ظرفیت زراعتی کمک نماید که در این عرصه میتوان از نهاد آغا خان در بدخشان و وزارت احیا و انکشاف دهات در شمالی نام برد.

محصولات افغانی شامل معیار های بین المللی نمیشوند.

در افغانستان صرفاً شماری از کارخانه های دارویی و عطر سازی اساس گذاشته شده است و بخاطر استفاده شان بنام دواخانه های عنعنوی یونانی، شهرت یافته اند. ولی هیچ گونه تحقیق جدید در ارتباط به مزارع و استفاده طبی آن صورت نگرفته است. تعداد زیادی از این مزارع بحیث مواد خام بسیار مهم مارکیت های امریکایی و اروپایی ثبت نشده و از اینرو به آن کشور ها صادر نمیشوند.

علاوئاً تاجران کشور های همسایه از دیر زمان بدینسو محصولات افغانی را تقلب میکنند. امروز معیار های بین المللی و قیمت های مارکیت برای رزین (صمغ کاج) مانند گلبنوم و اسافودیتا (دو نوع گیاه که در دارو های طبی بکار میرود) و یا روغنیات ضروری شان وجود دارد ولی آنها در ردیف محصولات تقلب شده می آید که برای افغانستان این را دشوار میسازد تا جای خود را در مارکیت جهانی اشغال نماید.

با قیمت های بلند تولید و قیمت های ارزان عمده روغنیات ضروری در مارکیت های بین المللی، گلستان نیاز دارد تا بالای قسمت "محصولات دارای ارزش اضافی"، چون عطریات، مواد عضوی طبیعی تجارت صادقانه و از راه فروش مستقیم به مصرف کننده نهایی، توجه کند. تصدیق (برای زراعت عضوی، استفاده مداوم از منابع وحشی) در افغانستان خیلی پر هزینه میباشد زیرا نهاد های پروسه تصدیق کننده تا هنوز در این جا به فعالیت خویش آغاز نکرده اند.

طرز العمل های وارداتی محصولات تکمیل شده (بخصوص لوازم آرایش) این امر را دشوار میسازد که در کشور های خارجی به آخرین استفاده کننده آن، بدون آنکه توسط وارد کننده گان و تاجران انتقال شود، برسد.

3. نتیجه و پیشنهادات

گلستان در ایجاد پروسه ظرفیت در ننگرهار موفق بوده است. کیفیت روغنیات ضروری که تا اکنون بدست آمده بسیار خوب بوده و مارکیت نیز به این محصولات علاقه مندی نشان داده است. مشکل عمده، افزایش مقیاس آن میباشد.

رهبری گلستان مطمئن شده است که تا حکومت افغانستان موانع ذکر شده ذیل را رسیدگی نه نماید، سرمایهگذاران عادی قبل از سرمایهگذاری در افغانستان دقت خواهند نمود. ستراتیژی موقت انکشاف ملی افغانستان و توافقنامه افغانستان تعهداتی را مبنی بر رسیدگی به تمام این مسائل را در بر میگیرد. این تعهدات دیر ویا زود باید جامعه عمل ببوشند تا افغانستان خودش را از فقر و نا امنی نجات دهد.

بر علاوه مسائل طرح شده در بالا، گلستان عقیده دارد که گام های زیرین معقول و مدلل است:

1. شناسایی صنعت زراعتی (مانند روغنیات ضروری، ترکیب های غنی کننده برای جوس، کشتزار های طبی) بالقوه و

سرمایگذاری بالای ماهرین بمنظور کمک دهاقین در این راستا. ماهرین در کشور های نزدیک همسایه قابل دریافت است.

2. مساعدت در سرمایهگذاری جامعه مدنی بالای زراعت و ظرفیت های مابعد حاصل بمنظور بدست آوردن امکانات مارکیت و ایجاد اشتغال در عرصه های غیر از مزارع.

3. کمک به کمپنی های خصوصی برای بدست آوردن مارکیت های بین المللی و بالا بردن کیفیت محصولات افغانی. بگونه مثال، ابتکارات عامه میتواند تصدیق و یا علامت تجاری، بخصوص در مورد زراعت عضوی عنعنوی و یا بهره برداری مداوم از مزارع وحشی و زیست شناسی نباتات گوناگون را ایجاد کند.

4. دونران باید با کمپنی های خصوصی کار نمایند تا ضرورت های کلیدی زیربنایی را شناسایی و (بگونه مثال سرکها و ظرفیت زراعتی) و به آنها رسیدگی نماید تا دسترسی به مارکیت را سهل گرداند.

5. سیستم های کمکی باید برای نیازمندی های پروژه، فروش تک روزه بی را داشته باشد.

6. طرز العمل های شفاف و ساده باید موجود باشد تا کمپنی مطابق به قانون مالیات را پیوست و یکنواخت بپردازند.

7. پارک های صنعتی با دسترسی به انرژی و آب سیسایدی شده برای صنعت های زراعتی آماده شود.

4. سوالات برای بحث

1. کدام تدابیر میتواند تجارت های که جدیداً به فعالیت آغاز مینماید، مساعدت کند تا بشکل آرام و بخصوص با قیمت مناسب، به کار شروع کنند،

• چطور میتوان که مالیات سنگین، بخصوص بالای تصدی های کوچک و متوسط، سبک ساخته شوند؟ آیا این ممکن است که قیمت لایسنس آسیا و همچنان فیس ثبت برای ترانزنامه (بیلائنس شیت) بخصوص برای تصدی های کوچک را کاهش داد؟

• آیا کاهش قابل ملاحظه در قیمت ها، تشویق موثر برای تصدی های کوچک و متوسط کمک میکند تا آنها در اقتصاد رسمی شامل شوند؟

2. چطور میتوان طرز العمل های بیروکراتیک را در گمرک ساده و آسان ساخت تا امنیت پلانگذاری را افزایش و ضیاع وقت را در گمرک و هزینه های وابسته به آنرا کاهش داد؟

3. گلستان پرداخت مالیات بسیار سنگین و غیر قابل پیشگویی را تجربه نموده است. آیا تجربه هائیکه در مطالعه قضیه بیان شده است نمایندگی از مشکلات تصدی های کوچک و متوسط با مسئولین اخذ مالیات میکند و یا خیر؟ بخصوص، (الف) چطور میتوان پروسه پرداخت مالیات را آسان ساخت تا ایجاب کار کمتر را نماید؟ بگونه مثال، آیا شیوه های متبادل وجود دارد که پرداخت مالیات توسط شخص را، به مالیات ماهانه تبدیل نماید؟

(ب) چطور میتوان طرز العمل های پرداخت مالیات را بهبود بخشید تا شفاف و واضح باشند؟

4. کمپنی هایبیکه در افغانستان محصولات زراعتی را پروسس میکنند اکثراً با مشکلات عدم اعتماد و بدست آوردن مواد خام دارای کیفیت کم، روبرو هستند. چطور میتوان ظرفیت زراعتی را تقویه نمود تا فعالیت های امکانات پروسس/ارزش اضافی را از دید بخشید؟ بخصوص:

الف) از طریق ارتقای جامعه مدنی روستایی بسیار منظم، بگونه مثال از طریق اتحادیه های قوی دهاقین، تسهیل وجه مشترک میان تولید کننده گان و پروسس کننده گان و همچنان آماده ساختن چینل های موثر برای ایجاد ظرفیت تدابیرها؟

ب) اغلب اوقات دهاقین با تولید غله جات و یا ورش های جدید زراعتی مخالفت میکنند، زیرا آنها نه میتوانند هیچگونه خطر را که محصولات نو با خود دارد متقبل شوند. آیا برای این مشکل را حل وجود دارد؟ چطور میتوان خطرات برای دهاقین را کاهش داد و ارایه معلومات در مورد تولید محصولات و روش های جدید را بهتر و موثر تر ساخت؟

ت) آیا میتوان مساعدت های بین المللی را پیش بین بود تا ظرفیت زراعتی را حمایت و در فراهم سازی محیط مناسب برای روستا ها، فعالیت های اقتصادی خصوصی و غیر زراعتی را مساعدت کنند؟

5. حکومت چه باید انجام دهد تا کمپنی های داخلی را بهتر و دسترسی به مارکیت های بین المللی را مهیا سازد؟ بگونه مثال از طریق معرفی تصدیق کیفیت و تسهیل/ارتقای ثبت محصولات افغانی در مارکیت های بین المللی؟

6. فقدان کارکنان شایسته در شماری زیادی از امور تجارت مسئله مداوم و مکرر بوده و هزینه تقرر و آموزش برای تصدی های کوچک و متوسط بسیار بلند میباشد. آیا برای چیره شدن بر این مشکلات راه های حل کوتاه مدت و میان مدت وجود دارد و یا خیر؟ آیا معرفی دوره کوتاه، آموزش تا سطح شهادتنامه برای فارغان مکتب در عرصه های محاسبه، دفتر داری، مهارت های دفتری و غیره راه علاجی را برای سکثور خصوصی آماده میکند؟

مطالعه این قضیه توسط ماتيو بيلي رئيس کمپنی گلستان آریا لمتد تهیه شده است.

¹ گلستان یعنی "باغ گلها" همچنان گلستان نام کتاب سعدی شیرازی، شاعر و متصوف قرن سیزدهم کشور، میباشد. طوریکه ما میدانیم این سینا داکتر و فیلسوف مشهور کشور که در قرن دهم در بلخ تولد شده بود، حلقه سرد کننده و تقطیر (عصاره گیری) را اختراع نمود. در جلال آباد وقتیکه گل نارنج میشگوفد، این رویداد با براه انداختن یک محفل مشاعره شعر پشتو در حمل هر سال تجلیل میگردد. گلها و خوش بویی های موضوعات مهم شعر تصوف هستند.

² زیست شناسی مزارع مختلف گلهای وحشی و همچنان گلها یک اقتصاد بالقوه و بزرگ را برای افغانستان تشکیل میدهد. زیست شناسی مزارع گوناگون گیاهان وحشی یک استثنای بوده و منبع علمی طب محلی است که در آن استفاده از گیاهان محلی در دواخانه های یونانی (طب یونان قدیم) تا هنوز حفظ شده است. مزارع گیاهان طبی ویژگی های افغانستان بوده که میتواند برای احیا دوباره اقتصاد بالقوه افغانستان از آن بهره بر داری کرد.